

دنیا ہمہ ہیچ و اہل دنیا ہمہ ہیچ

ای ہیچ برای ہیچ
بر ہیچ ہیچ

دلانی کہ پس از عمر چه ماند باقی

مهر است و محبت است و باقی ہمہ ہیچ

مولانا



* اورمزدشید (پنجشنبه) هشتم مهرماه برابر با ۳۰ سپتامبر روز بزرگداشت فرزانه ی ایرانی، **مولوی** می باشد. والایی و دانش این سراینده ی پارسی گو، تا بدانجا می باشد که در سال ۲۰۰۷ از سوی سازمان فرهنگی ملل متحد، **یونسکو** سال جهانی **مولانا** برگزیده شد و در دورترین بخش های جهان برای گرامیداشت او همایش ها و برنامه های بزرگداشت برپا شد. هاتا جمهوری اسلامی نیز نتوانست این روز را نادیده بگیرد. در دنبال بزرگداشتی که برای این مرد فرزانه برپا شد، دو آخوند واپسگرا غر و لند کرده اند.

- آخوند **کلپایگانی** گفته « برگزاری کنگره هایی مثل **مولوی** تأسف بار است.»
- آخوند **نوری همدانی** نیز اندیشه های **مولانا جلال الدین** را انحرافی خوانده است

* سروده های این بزرگوار، از چنان ژرفنایی برخوردار هستند که نویسندگان بسیاری در سراسر جهان را واداشته تا کلک(قلم) به دست گرفته و در بررسی اندیشه و سروده های او رویه ها سیاه کنند که سرانجام همگی به ستایش او پرداخته و از ارزندگی اندیشه ی این خردمند یاد کرده اند.

* آگاهی های من از دانش فرزانی تا آن اندازه نیست که بخواهم از این استوره ی پارسی گوی، سخن بگویم. این کاری است کارستان. از اینرو در اینجا تنها برای آگاهی دلپستگان دانش و هنر و فرهنگ ایران، کوتاواره ای از زندگینامه ی آن راد مرد فرزانه را می نویسم.

* **جلال الدین محمد بلخی** به نام های: **جلال الدین، خداوندگار، مولانا، مولوی رومی** پُر آوازه بوده است.

- او نامسار(تخلص) **خاموش، خموش، و خامش** را برای خویش برگزیده بوده است
- او در ششم ربیع الاول ۶۰۴ در شهر **بلخ** (آن زمان از شهرهای ایران می بوده است) زاده شده و در ۴ دی ماه سال ۶۵۲ خورشیدی در شهر **قونیه** چشم از جهان فرو بسته است.

مولوی کودکی و نوجوانی خود را در **ایران** بزرگ یا **خوراسان** گذرانده است (بخشی از خوراسان در پیمان نامه ی **ترکمن جای** از دامان مادر جدا شده و اکنون از آن کشور **افغانستان** می باشد) سروده های **مولوی** همچون **مثنوی** یا در **روم** و یا در شهر **قونیه** سروده شده اند. بیشترین سروده های او به زبان پارسی است، از اینرو پارسی زبانان از اندیشه های ارزنده ی آن فرزانه بیشترین سود را برده و می برند. در میان سروده های او تنها چیزی پیرامون هزار دوتایی(بیت) به زبان عربی و کمتر از پنجاه دوتایی به زبان های یونانی و ترکی سروده شده است. او سروده است

پارسی گو، گر چه تازی خوشتر است عشق را خود سد (۱۰۰) زبان دیگر است

- برخی از **مولوی** شناسان، از آن میان **عبدالحسین زرکوب** را باور بر اینست که در زمان **مولوی** زبان مردم کوچه و بازار **قونیه** زبان پارسی بوده است. استاد **جلال الدین همایی** یکی دیگر از بزرگان ادب پارسی، این دوتایی(بیته) را که پسر **مولانا** سروده گواه می آورد

گرچه زین غافلند و در خوابند فارسی گو که جمله در یابند

* مادر **مولوی مؤمنه خاتون** نام داشته است. خانواده ی **مولوی** در رهسپاری(سفری) که در پیش گرفته بودند در سال های میانی ۱۲۲۰ ترسای(میلادی) به **اناتولی** در **روم** رسیده و چندی در آنجا به سر می برند. در این شهر است که **مؤمنه خاتون** در می گذرد. او را در همانجا به خاک می سپارند. برای پاسداشت این بانو مَرکت (مسجد) کوچکی ساخته می شود که هنوز برپاست و مردم شهر برای نیایش به آن مَرکت می روند.

* سراینده ی پارسی گوی ما، **مولانا** در سی و هفت سالگی فرزانه و دانشمند زمان خود بود و پیروانی چند داشت که از اندیشه های خردمندانه ی او سود می بردند. تا اینکه **شمس الدین محمد بن ملک داد تیریزی**، در روز بهرام شید(سه شنبه) ۲۶ جمادی الثانی ۶۴۲ ماهی(قمری) به دیدار او می رود. در همان دیدار نخست **مولانا** شیفته ی شمس شده و به سُرآیندگی و دف و سماع روی می آورد.



**زاهد بودم و ترانه گویم کردی سر حلقه ی بزم و باده جویم کردی
سجاده نشین با وقاری بودم بازیچه ی کودکان گویم کردی**

پس از این دیدار است که از مولانا یادمان هایی به جای می ماند که آکنده از والاترین اندیشه های آدمی هستند.
* مولانا پس از زمان درازی که بیمار بود، در پی تب سوزانی در نیمروز مهرشید (یکشنبه) پنجم جمادی الاخر سال ۶۷۲ ماهی درمی گذرد. مولانا با رفتن به جهان دیگر، مردمان بسیاری از پیر و جوان، مسلمان و زرتشتی گرفته تا مسیحی، و یهودی، همگی را سوگوار کرد. و این سوگواری تا چهل روز دنبال شد.

گردآورنده : ژاله دفتریان
مهرماه ۲۵۸۰ ایرانی برابر با سپتامبر ۲۰۲۱ ترسایی